



نگرشی بر ذلت نفس
A view on self - inferiority

تألیف:

حسنعلی صیامی نیوی



سرشناسه: صیامی کیوی، حسنعلی، ۱۳۵۳ - Siami - Kivi, Hassanali

عنوان و نام پدیدآور: نگرشی بر ذلت نفس / حسنعلی صیامی کیوی.

عنوان به لاتین: *A view on self - inferiority*

مشخصات نشر: اردبیل: چشمه نور، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ده - ۲۸۹ ص، زیرنویس.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

کتابنا

موضوع: روان‌شناسی (علم‌النفس) / عقدۀ حقارت / جنبه‌های دینی / اسلام (آیات و روایات).

موضوع: *psychology / Inferiority complex / Religious aspect - Islam*

موضوع: ذلت نفس / صفات ردیله.

موضوع: *self - Inferiority traits*

موضوع: اخلاق اسلام / ریت بنی.

موضوع: *Islamic ethic , Religion's Education*

رده‌بندی کنگره: ۲۱۶ / ۵BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۱۹۷۳۰

شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۵۵۹۴۴۴ - ۵۲۰۰۰۰ ریال.

ISBN: ۹۷۸۶۲۲۹۵۵۹۴۴۴



ویراستار: حسنعلی صیامی کیوی

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

حروف‌چینی: زینب اسدی پروچ

صفحه‌آرایی: علی چشمه نور

طراحی جلد: علی صیامی

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول:

چیستی و ماهیت ذلت نفس

چیستی و ماهیت ذلت نفس.....	۱۱
الف) چیستی و ماهیت نفس.....	۱۱
ب) چیستی و ماهیت ذلت.....	۱۳
۱. مفهوم ذلت.....	۱۳
۲. ذلت در آیات.....	۱۷
۳. ذلت در روایات.....	۲۰
۴. مفهوم ذلت نفس.....	۲۴

فصل دوم:

علل و عوامل ذلت نفس

علل و عوامل ذلت نفس.....	۲۵
۱. فشار حاصل از محیط زندگی.....	۲۵
۱-۱. مدل‌های نامطلوب والدین.....	۲۷
۱-۲. امتناع و طرد.....	۲۸
۱-۳. آزادی بیش از حد و برآورده کردن افراطی تقاضاهای کودک.....	۳۱
۱-۴. تقاضاهای غیرواقعی از کودک.....	۳۳
۱-۵. عدم ثبات والدین.....	۳۴
۱-۶. اجتناب از واقعیت‌ها.....	۳۵
۱-۷. یادگیری معیوب.....	۳۵
۱-۸. روان آسیب‌های اولیه و مداوم شرطی شده.....	۳۸
۱-۹. سوء استفاده از کودک و کودک‌آزاری.....	۳۹
۴. علل و عوامل کودک‌آزاری.....	۴۱
الف) عوامل روانی کودک‌آزاری.....	۴۱
ب) عوامل خانوادگی کودک‌آزاری.....	۴۱
ج) عوامل محیطی کودک‌آزاری.....	۴۲

۴۴. لطف استفاده از توهین و تحقیر برای کنترل کودک
۴۶. لطف مصادیق تحقیر کودکان
۴۸. ۱-۱۰. فقر و تنگدستی
۵۲. ۱-۱۱. راستی و درستی در مقابل توفیق خود / احساس گناه
۵۶. ۱-۱۲. معضل بیکاری
۵۸. ۱-۱۳. رقابت‌های مخرب و غیرسازنده در محیط زندگی
۶۰. ۱-۱۴. سایر موارد مربوط به کودک و مدرسه
۶۱. ۲. معلول‌های جسمی و ذهنی
۶۴. ۳. خرد فموشی
۶۵. ۴. جهل و نادانی
۶۶. ۵. کوتاهی در برداشتن ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی
۷۲. ۶. عدم پیروی از پیام‌ان‌رون / احراف از عناصر کمالیه
۷۳. لطف تفاوت پیامبران برون و پیام‌ان‌درون
۷۴. ۶-۱. فطرت
۷۶. ۶-۲. نفس‌لواحه (وجدان اخلاق)
۷۸. ۶-۳. عقل (پیامبر درون و عنصر کمالیه)
۸۰. ۶-۴. ایمان (عنصر کمالیه)
۸۱. ۶-۵. تقوا (عنصر کمالیه)

فصل سوم:

آثار و کارکرد حقارت نفس

۸۷. آثار و کارکرد حقارت نفس
۸۸. ۱. دین‌گریزی
۹۰. ۱-۱. جهل و نادانی
۹۱. ۱-۲. محیط
۹۱. ۱-۳. دوستان و مریبان
۹۲. ۱-۴. فشار و خشونت
۹۲. ۱-۵. ناکارآمد دیدن دین
۹۴. ۱-۶. شک و تردید
۹۵. ۱-۷. ناسازگارنمایی با عقل

۹۵.....	۱-۸. ناسازگارنمایی با علم.....
۹۶.....	۱-۹. فرهنگ فقر.....
۹۸.....	۱-۱۰. اختلالات روانی و روان‌پریشی.....
۹۹.....	۱-۱۱. سخنگویان دین.....
۹۹.....	۱-۱۲. ضعف باورهای دینی مردم.....
۱۰۰.....	۱-۱۳. خواسته‌های نفسانی.....
۱۰۰.....	۱-۱۴. تهاجم دینی.....
۱۰۲.....	۲. اطاعت و پیروی از غیرخدا.....
۱۰۵.....	۳. خشم، غضب.....
۱۰۸.....	۴. کبر، غلب، غرور.....
۱۱۷.....	لله على حقى كبر غرور.....
۱۱۸.....	لله آثار و پیامد کبر.....
۱۲۰.....	لله تفاوت برخی با یکدیگر.....
۱۲۰.....	۱. تفاوت تکبر با عجب.....
۱۲۲.....	۲. تفاوت کبر با غرور.....
۱۲۴.....	۳. تفاوت غرور با اعتماد به نفس.....
۱۲۵.....	۴. تفاوت غرور با عزت نفس.....
۱۲۶.....	۵. حرص و طمع.....
۱۴۲.....	۶. بخل و تنگ‌نظری.....
۱۵۱.....	لله تفاوت برخی مفاهیم.....
۱۵۳.....	۷. سوءظن و بدگمانی.....
۱۵۷.....	لله آثار و پیامد بدگمانی.....
۱۶۰.....	۸. رشک و حسد.....
۱۶۴.....	لله حسد از دیدگاه آیات.....
۱۶۷.....	لله علل و انگیزه‌های حسد.....
۱۶۸.....	لله آثار و نشانه‌های حسد.....
۱۶۸.....	الف) بعد شناختی.....
۱۶۸.....	۱. باور نکردن فضیلت دیگران.....
۱۶۹.....	۲. ضعف شناختی در ارزیابی سرمایه‌های درونی خود.....

۲۳۳	الف انواع و اقسام ترس
۲۳۳	الف) ترس طبیعی و ممدوح
۲۳۳	ب) ترس غیرطبیعی و مذموم
۲۳۶	الف علل و عوامل جبن
۲۳۶	۱. ضعف ایمان و سوءظن به خدا
۲۳۶	۲. جهل و نادانی
۲۳۶	۳. عاقبت‌طلبی
۲۳۷	۴. تربیت خانوادگی
۲۳۷	۵. احساس خود کم‌بینی و عقده حقارت
۲۳۷	۱۶. دروغ فریب
۲۴۱	الف علل و عوامل دروغ‌گویی
۲۴۵	الف آثار دنیوی و اخروی دروغ
۲۵۰	۱۷. عناد و لجبازی
۲۵۷	۱۸. سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
۲۶۵	۱۹. دنیا‌زدگی و تجمل‌پرستی
۲۷۰	۲۰. سستی در جهاد و ترک آن
۲۷۳	۲۱. اختلاف و تشتت
۲۷۵	الف علل و عوامل اختلاف و تشتت
۲۷۵	۱. تعصب و جزم‌اندیشی
۲۷۶	۲. کفر و بی‌ایمانی
۲۷۶	۳. بی‌بهره بودن از خردورزی
۲۷۶	۴. جدایی روحی و جسمی
۲۷۷	۵. فتنه‌های بیرونی
۲۸۱	منابع و مآخذ

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که از ابتدای خلقت تاکنون، بسیاری از افراد بدان مبتلا هستند، مسأله تن دادن به ذلت و خواری است که منجر به بروز رفتارهای ناخوشایند و عصیان و گناه می‌شود. ذلت نفس و تن دادن به آن، برآیند احساس حقارت است که نقطه مقابل عزت نفس می‌باشد.

حقیر کردن خود از احساس ضعف و ناتوانی نشأت می‌گیرد و صفتی روحی و روانی است که علل و عوامل مختلف روانشناختی و اجتماعی دارد و زمینه بسیاری از گناهان و رفتارهای غیرعادی را برای خود فرد و دیگران فراهم می‌کند. چنین افرادی آسیب‌های روانی- اجتماعی عديده‌ای را به خود و دیگر اطرافیان تحمیل می‌کنند.

شخصیت هر کس در گرو عزت نفس اوست، از این‌رو خداوند متعال اجازه نداده است که هیچ مؤمنی تن به ذلت و خواری دهد. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) در مذمت این صفت نکوهیده می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَوَّضَ أَلَمَ الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَقْوِضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا»^۱؛ خداوند

اختیار همه کارها را به مؤمن داده اما این اخبار را به او نداده است که خوار و ذلیل باشد.

به نظر روان‌شناسان هیچ مرد یا زنی نمی‌تواند به طور کامل از عدم تعادلی که منجر به نشانه‌های روانی احساس حقارت می‌شود، فراتر رود. ولی این عدم تعادل گاه رسیدن به موفقیت‌های بزرگ زندگی را سبب می‌شود. در واقع بعضی از ویژگی‌های دنیوی را ممکن است نتوان بدون محرک قوی احساس حقارت به دست آورد.

روانشناسانی چون آدلر عقیده دارند که تجربیات اولیه حیات، هنگام کودکی، در مورد همه صدق می‌کند ولی به صورت ژنتیکی تعیین نشده بلکه این شرایط از درماندگی و وابستگی به بزرگسالان و حاصل محیط زندگی است که برای همه کودکان یکسان می‌باشد. احساس حقارت گریزنپذیر است ولی مهمتر از آن، چنین احساسی ضروری رشد نمی‌باشد؛ زیرا برای تلاش و رشد کردن انگیزش تأمین می‌کند و هم برخی از افراد قائلند که وجود آن به عنوان عاملی محرک جهت کار و تلاش لازم است و منبع تلاش انسان به حساب می‌آید.^۲ آنچه را که ما بدان اشاره داریم از آن نوع مورد لزوم و ضروری رشد سازنده نیست؛ بلکه جنبه مرضی و یا اختلالی آن است که تحت تأثیر محیط زندگی، عارض روان می‌شود و مشکلات عديده‌ای را در

۱. محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۶۷). فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۶۳.

۲. شولتز و شولتز (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۱۴۵.

زمینه‌های رشد و شخصیت برای انسان پدید می‌آورد. در عین حال انسان تسلیم آنچه را که خانواده و محیط زندگی بر او تحمیل می‌کند، نیست؛ چرا که می‌تواند با قدرت اراده و اختیار و با خودشناسی و خودآگاهی مسیر سرنوشت خود را به گونه‌ای دیگر رقم بزند. چنانچه اراده و اختیار را در ارتکاب گناه و معصیت یا عمل صالح نقشی نباشد کیفر و عقوبت یا پاداش هم معنی نخواهد داشت. در واقع یکپارچگی شخصیت و یا اختلال آن، در هر انسانی محصول سه عامل بنیادی؛ یعنی طبیعت، تربیت و اراده و اختیار خود او می‌باشد.

در هر حال تفاوت بین شخصی که از احساس طبیعی حقارت استفاده درست می‌کند و از آن برای کسب موفقیت بیشتر بهره می‌برد، تا به کمال و یکپارچگی برسد با کسی که تسلیم آن می‌شود، آراوان است. تفاوت بین یک شخص سالم و کسی که مبتلا به عقده روانی حقارت می‌باشد، شاید در کسب قدرت و سلطه باشد. اولی از قدرت برای انجام بهتر کار و وظیفه‌اش استفاده می‌کند و دومی آن را برای سلطه و نمایش دادن شخصیت خود به دیگران و نیز کتمان حقارت به کار می‌برد. اما از نقطه نظر علمی هم آن پیروزی خارق‌العاده و هم آن شکست و حالت منفی هر دو، درجه و جهت مختلف از احساس حقارت است و تا زمانی که انسان به خودشناسی و خودآگاهی نرسد، چنین حسی عوارض مخرب و منفی خود را نمایان خواهد کرد.

در احساس حقارت، شخص را می‌توان به سهولت به طرف پیشرفت‌ها و پیروزی‌ها راهنمایی کرد. ولی وقتی احساس حقارت به عقده حقارت تبدیل شد، امکان هدایت و بهره‌برداری از آن از بین می‌رود و یا بسیار مشکل می‌باشد چرا که طی آن خلق و خوی آدمی عوض شده و آگاهانه یا ناآگاهانه به انتقام‌گیری و اذیت و آزار دیگران می‌پردازد و از این کار لذت می‌برد. پرخاشگری می‌کند، عیب‌جو می‌شود، حسد می‌ورزد، کینه‌زنی می‌کند، برای تخریب دیگران به تهمت و افترا متوسل می‌شود. دروغ می‌گوید، لاف می‌زند، گزافه می‌گوید، فخرفروشی می‌نماید، تملق و چاپلوسی می‌کند، تکبر می‌ورزد، بخیل می‌سود، حریص جاه و مقام می‌شود ... و به گونه‌ای سعی دارد با انجام دادن اعمال ناصالحی خود را سبک و آرام نمایند و حقارتش را کتمان کند.

آدلر می‌گوید: احساس حقارت ممکن است هم اشخاص سالم و هم آنهایی که دچار عقده حقارت هستند را وادار به فعالیت کند، برای اشخاص سالم رسیدن به هدف، احساس برتری به وجود می‌آورد. ولی کسی که دچار عقده حقارت است، هرگز موفق نمی‌گردد و حتی با رسیدن به اهدافش نمی‌تواند بر احساس ضعف و بی‌کفایتی خود مسلط شود.